



می گوید وی گفت: ساست شاید: آن روز همه من به گمان آن که وضع جهان خواهد بود. انتظار داشتند که در میان بگفت  
 بعدی شب گمان آن است و آرام به اتاق درس در آید و بی آن که کسی متوجه تاخته و در و در می کرد و بر سر جای خواب نشسته  
 برخلاف آن چنین چشم می داشت آن روز جهان سکوت و آرامش و در شب بود که گمان می رفت از شکار کردن بیکس  
 در به نیست.

این خبر به درون اتاق نفاذ نگذاشتند. شکاروان بجای خویش نشسته بود و معلم با بیان خوب زعمب الیزه که بود و  
 دست داشت. در اتاق درس قدمی نه و لازم بود که در راجع به در میان آن آرامش و سکوت و آرامش شود.  
 پیدا است که تا چه حد این چنین کاری بود و متوجه تاخته اند از آن شرم می بردم اما در این دنیا و در میان اتاق درس  
 وارد شد و بکن معلم بی آن که نشکین انداخت شود. از سر معرفی بر من انداخت و با لطف و نرمی گفت: از ۹۰  
 سرچین است نشین. نزدیک است به درس و بی حضور تو شروع کنیم.

از گنا نیست که نشسته و بی کتاب بر جای خود نشسته و وقتی درس را راضی من فروشت و من در همین به رفت.  
 تا به متوجه شد که معلم لباس زنده می بپوشد و روز را بر تن ندارد و به جای آن بجای را که جزو روز تونین جایز و  
 جنگی که به پرسش به در می آمد نمی پوشید. بر تن کرده و است که نشسته از آن تمام اتاق درس را به است و شکلی که  
 مخصوص ساقی می است. فکر می کرد و آن چنین ترسیدی من گشت. آن بود که وقت می اتاق بروی گشت یعنی که  
 و مواقع مادی قلبی بود و حق را از مردم آن بگذرد و دید که نشسته بود که نشسته او را زور نامرستانی و پندتن دیگر  
 اشخاص معروف در آن میان جای داشته و به افرو و دول مرد و به نغمی آمد و به مردی گشت با اخلاقی که می  
 بر او داشت. آن را بر روی زانوی خویش نشسته بود و او پرسش داشت و به هر حرف و خود و آن می فریست.







بدین بر وقت قصب و خون سردی می چندان بود که آخرین ساعت در آن را بدیدان آورد پس از تخریب شدن  
 در آن آید و خدایم آن کاوودگان بصدای بلند بفرار و گس خویش پرداخته در آخر اقی یکی از مردان نمبر دهم که  
 کتاب را بر روی زانو کشیده و در آن یک سبک سبز خویش و آن می گزیدست که دو کان هم آواز کشید و در آن دوس  
 را بصدای بلند گزید می کرد صدای می چنان با شوق و همچون آینه که آواز شنیدن آن بر حالتی غریب است می داد  
 و به کس می کرد یک کوه وین خند و گریه کشید و بعد از آن در این آخرین روز اسس بهار و در آن من باقی خواب داد  
 در این زمان وقت به آخر آمد و نه فرامیده و پسین خط صدای شمر به باز این یک نیکو که از مشق و تمرین با نوبی کشید  
 و کوچه ضعیف گفتند به کتب پرید و از جای خویش برخاست اما آن روز بزرگ و در آن روزم چنان بر مسافت و با غلظت  
 جلوه کرد و به جهنت.

... ستان و خزان من ... من ...

به نفس و اندوه صد اراکله و شگفت نتوانست سخن خود را تمام کند پس روی برگردانید و به ای کج  
 برگرفت و به سنی که از این چون و ده ای نرید بر تخته می یاد این کلمات را با نعلی جلی نوشت ... زنده و بدین  
 آن کاو و همان جای است و سر را به دیوار حید داد و بدون آن که دیگر سخن می یابد و است به اشارت کرد که تمام شد  
 بروید خدا کند آری به!

## خودآزمایی:

- ۱- «آخرین درس» از زبان چه کسی بیان شده است؟
- ۲- معلم چه چیزی را تضمین کننده‌ی آزادی ملت‌ها می‌داند؟
- ۳- آواز کبوتران چه چیزی را برای راوی داستان تداعی می‌کند؟
- ۴- با توجه به متن، معلم با نوشتن جمله‌ی «زنده باد میهن» چه مفهوم ارزش‌مندی را القا می‌کند؟
- ۵- به نظر شما زیباترین قسمت این نوشته کدام است؟ چرا؟
- ۶- در چه مواقعی زبان ملی برای یک ملت ارزش و اهمیت بیش‌تری می‌یابد؟
- ۷- چه چیزی باعث شد که کودکِ راوی داستان، خاطرات تلخی را که از معلم داشت به سادگی فراموش کند؟
- ۸- از تعبیر کنایی «برای کسی خواب دیدن» چه موقع استفاده می‌شود؟

## فصل ششم

ترجمہ





## در آمدی بر ترجمه

پیشرفت و شکوفایی بر تو نهنگ. به میزان زیادی با اثر پذیری از فرهنگ های دیگر شکلی دارد و ترجمه یکی از راه های انتقال خانه فرهنگ های گوناگون است.

ترجمه عامل پیوند و رابطه می باشد و در حقیقت میانه مروتی است که به زبان می رسد و برای برابری نقش ارزشمند و خواسته های آیین و فرهنگ های مختلف و دانش و ادب از زبان به زبان دیگر است.

ترجمه از ایران سابقه ای طولانی دارد و پیش از اسلام به ویژه در دوره های ساسانیان تا آنجا که شاه و خراج نشان می داد کتاب های بسیاری از زبان سانسکریت و زبان های دیگر ترجمه شد که متن معنی آن ها به خانه از دست رفت است و ترجمه ای که از آن ها در قرن های بعد به زبان عربی صورت گرفت. امروز نیز موجود است. از جمله ترجمه های الف لیله و یوسف و کلیله و دمنه ...

و در دوره اسلامی از همان قرن های نخستین هجری از یک سو ترجمه های عربی آثار معتبر علمی و فلسفی و زبان و ادبیات و تاریخ ایران و قرآن و لغت و از سوی دیگر بسیاری از متون عربی و یونانی و فارسی برگزیده و شریف این ترجمه ها در قرن های بعد به چنان آمده است. از مترجمان برجسته ای این دوره که اغلب ایرانی بودند می توان به یحیی بن یحیی بن ابی طالب و ابوالفضل و ابوالحسن بن اسحاق و جابر بن یحیی بن عقیل و ابوالفضل بن رافع و ...

این مترجمان ایرانی و غیر ایرانی که به سبب بسیاری از متون و بعد از طبع و به دست صاحب بیت ترجمه

کیمیاء و فقه است کشاورزی به زبان عربی آورده از این راه علوم مختلف نقل مشهور آثار مهمی در افراس  
قدیم از هندوستان گرفته تا اسکندریه و یونان در دسترس علمی اسلامی قرار گرفت و مسلمانان از راه مطالعه و تحقیق  
در آن کتب با علوم یونانی و هندی و ایرانی و جز آن آشنا شدند و آن را با یکدیگر آمیختند.

آثار زیر را می توان از نخستین ترجمه های موفق فارسی از متون عربی دانست:

ترجمه فیثاغوری تألیف مخبر بن جریر همدانی در زمان ساسانیان به فارسی برگردانده شد.

ترجمه فیثاغوری معروف به تاریخ بلخی که ابوعلی محمد بنی وزیر دانشمند امیرنعمان بنی آن را به فارسی آورده.

اصل این کتاب به عربی و تألیف مخبر بن جریر صاحب فیثاغوری است.

ترجمه یوهان که به عربی به نام علی بن عبد الله بن نجاشی برگرفت.

ترجمه از زبان فارسی اروپایی به یونانی زبان فرانسه به تألیف از افنون بغداد است. تا این حد کتب فارسی

در ایران بسیار کم یاب بود و بسیار بود و بسیاری دارالعلوم که پیش از بنیامین بن کتب فارسی بودند، خواهران و برادران

تألیف به ترجمه از زبان فارسی به عربی و تألیف از برای این در میان از برای کار آموزگان اروپایی و از افنون کتاب در

فارسی نسبتاً زیاد بود و رشته های مختلف فنون سنی و نظامی و علوم طبیعی تهیه کردند و برای ترجمه و اختیارش کرده و ایرانی

خواه که به قدر نیاز از زبان فارسی اروپایی برگزیده و شده بودند و قدر دانند.

تولید و نخست فراوان به نظر فسیل و کشتش و انش. المله المله در دوحه افرا و بیرون از راه از آموزش نیز

یافته و اندیشه روشنی فراوان به ترجمه های کتب چه در محققان از افنون و چه در خارج آن پیدا آمد.

از کتاب های فارسی که به یونانی برگردانده شد و در این راه و مترجمان ایرانی ابتدا به ترجمه های کتب فارسی تا به ترجمه

تالیفات تاریخی و تالیفات تفریحی . شارل دوازدهم و اسکندر مقدونی . پس روان های تاریخی علمی پدید آمدند  
 استان های هندو... کشت و مونس گریست . یعنی چنانچه در پرتو نور از آثار آکنده بود . رویش گریز  
 اثر بود . سرگشته حاجی به استغاثی . اثر محمد بنویه و سنی . روان های علمی و ادبی و ادبیات آن را ترجمه کردند .  
 به کام به خوش شریعت و خدای شمسار . از آمدن و بحالت ترجمه پیش از پیش نیست و خدمت یافت . از  
 او از ممد قاجار ترجمه یافتی . دست بست که از سند مترجمان این آثار به زبان فارسی و یکجا حکایت دارند . برای  
 مثال ترجمه های نامه انکب از اقلانی . و می رسد به ترجمه های انکب انکب از غنی از گفتار و روش به کار برده اند  
 اثر اکارت نمونه های خوب و بی نقص آن روزگار است .

ترجمه های شعرهای ایران اردو بی نیز به شکل و محتوای شعر فارسی موثر افتاد و بهشت به روشنی از یک کین  
 به یکت نهایی و شریعت شد ولی به دلیل شسته اندی نیز و مندرگین . شعر و ادبیاتی نتوانست معیار های خود را بر شعر فارسی  
 تحمیل کند و بهین دلیل شعر فارسی اصالت خود را و بیاری از بهات حفظ کرده است .  
 ترجمه های زبان با تواتر های بیانی به سیمای از شعر های بیرون . یکک از غمگست . و یکتو به و و دیگران  
 به فارسی و آید و این به و . شده و اندکی شعر معاصره . تاثیر گذار است .

ترجمه های این آثار و سانسخت شخصیت فردی و اجتماعی تاثیر گذار است و مردم را به یاد آورده آن در با دینی تاز  
 آتش گردانید کجیندی و از کان زبان فارسی را غنی ساخت . اثر پدید آورنده و سانسخت نویسی . از نوع بهشت و شعر از حالت  
 یکت نواختی که شته و اندی به کار نویسنده کی و شاعری بهشت بخشد و روش های جدید تحقیق را به پرتو آینه کان آموخت  
 سرانجام به موجب رواج علوم و فنون جدید و ایران شد .

در این عظیم آثار ترجمه شده و از زبان های زنده و بی دنیا به فارسی بسیدری از شاہکارهای ادبی علمی و فنی - زبان زبان و آراء و افکار یک ملت و یک کوه استه است. از آن جهت می توان به ترجمه های علمی چون شهابی و فروسی، به میات خیمه کشتان و بوستان سعدی، شمس الملوکی، غزلیات حافظ به انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی، ترکی و ... اشاره کرد که تاثیر آن در فرهنگ ملت مختلف ملوس و محسوس است.

بنابر آن چه گفته شد، ترجمه دست فزاینده ای که در حال - پیش به عنوان یکین اساسی اجتماعی داشته است، از این دو ترجمه های آشنایی و شباهت های علمی و ادبی جهان، اقدامی مهم و اساسی است که اگر به شیوه های جدید و تحول آمیزتری برآورد شود، به دست یافتنی ها ارزش مضاعف، قابل توجه و ارزشمند است.

بنابراین تعریف از آن شده و ترجمه، به معنای برای مثال فرهنگ و اندیشه از زبانی به زبان دیگر است و مطلوب ترین شکل این انتقال آن است که هیچ بخشی از صورت و معنی، از میان نرود و با احتیاط و تخصصان فن ترجمه این امر ممکن پذیرفت. به دیگر زبان - پیچ پیچ و به دست کاری و حذف و اضافه نمی توان از زبانی به زبان دیگر منتقل کرد. چرا که به زبان و محدوده ای خود احتیاجی برای گفتن، و اگر می تواند قبل انتقال به زبان دیگر نیست، اصول و ترجمه موفقیت، انتقال پیوسته است. برای دست یابی به پیشتر یک ترجمه ای موفق، لازم است که مترجم علاوه بر آشنایی کامل با روح زبان مبدأ از زبانی که از آن ترجمه می شود، و از زبان مقصد، از زبانی که به آن ترجمه می شود، به محتوای کتاب مورد ترجمه و قضا و شرافت داشته باشد. این شرط را به برای مترجم لازم است، و کافی نیست ترجمه ای خوب شرایط دیگری هم دارد که از اساسی ترین آن در رعایت انصاف و بی جان دیگر حفظ یکت، موافق است.

انواع ترجمہ

ترجمہ جریانی است میان دو زبان :۔ این جریان یکسخت مترجم زبان به او شمشیر و خمش بر زبان مقصد است  
و از این غایت میان او زبان ملی بدو مترجم بنوا و میان دو لغتانی به سر می بر و یکی آن که بسیار خوانند و ترجمه می اورا  
ایجاد و دیگر این که پیام نویسد و خوب متفلسف و دو چرخه نیست کرد و از این دیدگاه متخصصان و نویسندگان ترجمه را شایانی  
و مطرح کرده اند :

الف ترجمه‌ی ارتباطی: ترجمه‌ی آزاد یا روان: در این نوع ترجمه، چون مترجم پیش‌تر به‌کمبودی پیوسته  
تأمل نموده، ساختاری معنایی، آشنایان را به زبان مقصد وارد کند؛ لذا ترجمه‌ی ارتباطی آسان  
خوانده می‌شود. از این گمانی وجود دارد که آن چندی خواهر یا برادر می‌گویند گفته است: «اصطلاح مقول و سببی نه‌اشته باشد».  
ب ترجمه‌ی معنایی: ترجمه‌ی تحت‌اللفظی یا دقیق: ترجمه‌ی معنایی برخلاف ترجمه‌ی ارتباطی نمی‌خواهد از  
ایمانی نویسنده، فرستنده، قاصد، یا پیوسته می‌باشد؛ آن‌جا که امکان دارد ساختاری زبان مقصد را وارد  
زبان مقصد کند؛ از این رو، این ترجمه‌ی زبانی را می‌توان خواند:

ترجمی ابزاری و ترجمی معنایی برکت در خدا را می دارد. پس در ترجمی ارتباطی مستند که حاصل بخوانند و استند نویسنده و در حالی که در خدا این ترجمی معنایی توجیه میسر نمی یابند و دارند. در این وجه هیچ ترجمی نمی تواند به هم بصورت ارتباطی یا معنایی باشد. این به چه حد فکری است؟ بسته به نوع متن و هدف ترجمه گاهی از این دو قسب رجعت نمی شود.

## خودآزمایی:

- ۱ - دانشمندان اسلامی از ترجمه‌های آغازین، چه بهره‌هایی جسته‌اند؟
- ۲ - اولین مترجمان دارالفنون چه کسانی بودند؟
- ۳ - ترجمه‌ی آثار برجسته‌ی جهان، چه تأثیراتی بر ادبیات و فرهنگ ایران داشته است؟ (سه مورد)
- ۴ - مناسب‌ترین شکل ترجمه چگونه است؟
- ۵ - منظور از ترجمه‌ی ارتباطی چیست؟ این نوع ترجمه، با ترجمه‌ی معنایی چه تفاوتی دارد؟
- ۶ - نمونه‌ای موفق از ترجمه‌ی یک داستان یا شعر را انتخاب کنید و در کلاس بخوانید.
- ۷ - شاهنامه‌ی فردوسی، رباعیات خیام و دیوان حافظ تاکنون به چه زبان‌هایی ترجمه شده‌اند؟ به یاری دبیر خود، در این زمینه تحقیق کنید.